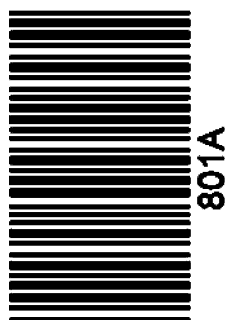


کد کنترل

801

A

Www.arabimahya.com



عصر پنجشنبه

۱۴۰۳/۱۲/۰۲



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«علم و تحقیق، کلید پیشرفت کشور است.»
مقام معظم رهبری

دفترچه شماره ۳ از ۳

آزمون ورودی دوره‌های دکتری (نیمه‌متمرکز) – سال ۱۴۰۴
زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)

مدت زمان پاسخگویی: ۱۰۵ دقیقه

تعداد سؤال: ۸۰ سؤال

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤال‌ها

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	زبان عربی – کلیات ادبی (تاریخ ادبیات – دستور – عروض و قافیه – نقد و نظریه‌های ادبی معاصر)	۳۵	۱	۳۵
۲	بلاغت	۵	۳۶	۴۰
۳	متون نظم – متون نثر	۴۰	۴۱	۸۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات کادر زیر، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ نامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی جلد دفترچه سؤالات و پایین پاسخ نامه ام را تأیید می نمایم.

امضا:

زبان عربی - کلیات ادبی (تاریخ ادبیات - دستور - عروض و قافیه - نقد و نظریه های ادبی معاصر):

■ ■ عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ وَ غَيْرَهَا: (۱-۸)

۱- ﴿ وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ﴾ عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) و هر موجودی را از آب، زنده آفریدیم! (۲) و هر موجودی را به وسیله آب، زنده آفریدیم!
 (۳) و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم! (۴) و هر چیزی را به وسیله آب، زنده قرار دادیم!
 ۲- «كَانَ كِتَابُ الدَّوَّائِينَ يَوْسَعُونَ ثِقَاتِهِمْ مَا اسْتَطَاعُوا، وَ اهْتَمَّوْا خَاصَّةً بِالثَّقَافَةِ الْفَلَسْفِيَّةِ اهْتِمَامًا قَدْ عَمَّقَ أَفْكَارَهُمْ!»:

- (۱) کاتبان دربار به اندازه توان خود، فرهنگ خویش را توسعه دادند و به گونه ای که آراء و اندیشه هایشان پربار گردد، به فرهنگ فلسفه نیز توجه داشتند!
 (۲) کاتبان حکومتی فرهنگ خویش را تا جایی که برایشان امکان داشت توسعه می دادند و مخصوصاً به فرهنگ فلسفی آنچنان توجه کردند که باعث عمیق شدن افکارشان شده بود!
 (۳) فرهنگ منشیان دیوان تا آنجا که امکان داشت توسعه یافت و آنها به طور خاصی به فرهنگ فلسفی اهتمام داشتند تا جایی که باعث ژرف نگری در افکار آنها شده بود!
 (۴) منشیان در دستگاه حکومتی به قدر استطاعت خویش فرهنگشان را گسترش می دادند، تا آنجا که نظرشان به فرهنگ فلسفی به قدری جلب شده بود که به تعمیق افکارشان انجامید!
 ۳- «إِنَّهُ كَانَ مَشْغُوفًا بِالْقِرَاءَةِ فَذَلِكَ جَعَلَ كِتَابَهُ وَ رِسَالَتَهُ أَشْبَهَ مَا تَكُونُ بِدَوَائِرِ مَعَارِفِ، فَلَيْسَ هُنَاكَ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ الثَّقَافَةِ فِي عَصْرِهِ إِلَّا وَ تَسَرَّيَتْ مِنْهُ فُرُوعٌ إِلَى تَأْلِيفَاتِهِ!»:

- (۱) او آن قدر شیفته مطالعه بود که کتابها و نامه های وی بیشتر شبیه دایرةالمعارفها شده است، و تمام انواع فرهنگ زمانه اش در آثار وی منعکس شده است!
 (۲) وی علاقه بسیار زیادی به خواندن داشت بنابراین نوشته هایش بیشتر مثل دایرةالمعارفها است تا کتاب، و هیچ گونه ای از فرهنگ دوره وی نیست که در آثارش وجود نداشته باشد!
 (۳) علاقه زیادی که او به مطالعه داشت سبب شد تا آثار وی چون دایرةالمعارف شود، و هر آنچه در فرهنگ آن دوره وجود داشت و نیز زیرمجموعه های آنها به تألیفات وی نفوذ کرده است!
 (۴) او شیفته خواندن بود، همین امر کتابها و رساله های وی را شبیه ترین چیز به دایرةالمعارفهایی قرار داده است، پس هیچ نوع از فرهنگ زمان او وجود ندارد مگر آنکه شاخه هایی از آن به نوشته هایش نفوذ کرده باشد!

۴- « فَأَلَيْتَ لَا يَنْفَكُ كَشْحِي بِطَانَةِ لِعُضْبِ رَقِيقِ الشُّفْرَتَيْنِ مَهْنَدٍ! »:

- (۱) تصمیم گرفتم از پهلوی او کنار نروم، گرچه شمشیر برآن تیز هندی بر فرقم کشند!
- (۲) سوگند یاد می‌کنم که پهلویم از شمشیر برآن نازک‌لبه هندی فاصله نگیرد!
- (۳) اراده کردم که از همنشینی با یار آزاده باریک‌میان هندی دست نکشم!
- (۴) قسم می‌خورم شمشیر برآن نازک‌لبه هندی مرا ترک نخواهد کرد!

۵- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) لَمَّا أَتَى الْوَادِي لَمْ يَرِ عَلَيْهِ قَنْطَرَةٌ وَ رَأَى الذَّنْبَ قَدْ أَدْرَكَهُ: هنگامی که کنار نهر آمد، پل روی آب را ندید، اما فهمید که گرگی به او نزدیک شده است،
- (۲) فَأَلْقَى نَفْسَهُ فِي الْمَاءِ، وَ هُوَ لَا يُحَسِّنُ السَّبَاحَةَ: پس خود را در آب انداخت درحالی‌که خوب از عهده شنا کردن بر نمی‌آمد؛
- (۳) وَ كَادَ يَغْرُقُ لَوْلَا أَنْ بَصَرَ إِلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْقَرْيَةِ: و اگر گروهی از مردم روستا او را نمی‌دیدند نزدیک بود غرق شود؛
- (۴) فَأَلْقَوْا أَنْفُسَهُمْ فِي الْمَاءِ لِإِخْرَاجِهِ، فَأَخْرَجُوهُ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَى الْهَلَاكِ: پس برای بیرون آوردن او خود را به آب انداختند و درحالی‌که در آستانه مرگ قرار گرفته بود، او را بیرون کشیدند!

۶- عَيْنُ الْآيَةِ تَخْتَلِفُ مَعَ الْآيَاتِ الْآخَرَى فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) ﴿ وَ مَا رَمَيْتَ إِذَا رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى ﴾
- (۲) ﴿ وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ﴾
- (۳) ﴿ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ شَيْئًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴾
- (۴) ﴿ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا ﴾

۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- «براساس منابع سنتی و طبق شواهد تاریخی، دیانت اسلام در طول قرون اولیه هجری به طریقی صلح‌آمیز و بیشتر از طریق تاجران به سرزمین‌های دوردست راه یافته است»:
- (۱) استناداً إلى المصادر التقليدية و حسب الشواهد التاريخية فقد دخل الدين الإسلامي طيلة القرون الهجرية الأولى البلاد النائية بأسلوب سلمي و عن طريق التجار في الغالب.
 - (۲) على أساس المصادر التقليدية و على حسب الشواهد التاريخية إنّ الدين الإسلامي كان قد دخل البلاد البعيدة طوال القرون الأولى من الهجرة بسلم و بواسطة التجار غالباً.
 - (۳) إنّ دين الإسلام قد ورد إلى الأراضي البعيدة في طول القرون الأولى بمسالمة و بيد التجار و تدلّ على ذلك الأمر المصادر التقليدية و المصادر التاريخية.
 - (۴) دين الإسلام دخل إلى الأراضي النائية بواسطة التجار و بوجه سلمي طوال القرون الأولى من الهجرة.

۸- « نوشته‌های تاریخی عرب از عناصر بیگانه‌ای که در ایجاد آن سهمیم بوده است تأثیرپذیرفته، و این موضوع قابل انکار نیست!»: عین الصحيح:

- (۱) کتابات العرب التاريخية تأثرت بعناصر أجنبية كانت مشاركة في نشأتها و هذا أمر لا ينكر!
- (۲) الكتابات التاريخية العربية أثرت على العناصر الأجنبية التي كانت مساهمة في إيجادها وهذا غير منكر!
- (۳) هناك عناصر في الكتابة للأعراب لم تخلق من عدم، بل الحضارات هي التي نمت و تطورت بسببها و هذا لا ينكره أحد!
- (۴) العناصر للكتابة للعرب لا توجد من العدم، بل هناك حضارات غربية نمت تلك الحضارات و شاركت في تحولها!

■ ■ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۹-۱۱)

- ۹- ﴿ و اجعل لي وزيراً من أهلي، هارون أخي. أشدد به أزري و أشركه في أمري﴾
- (۱) هارون: اسم ممنوع من الصرف و بدل كلّ من كلّ تابع للمبدل منه « وزيراً»
 - (۲) أخ: من الأسماء الخمسة أو الستة و عطف بيان و منصوب تقديرًا بالتبعية للمعطوف عليه « هارون»
 - (۳) وزيراً: مفعول به لفعل « اجعل»، من أهل: جار و مجرور و شبه الجملة مفعول به ثان لفعل « اجعل»
 - (۴) اشدد: فعل أمر - صحيح و مضاعف - جائز الإدغام و التفكيك، فاعله ضمير مستتر فيه وجوباً تقديره « أنت»
- ۱۰- « و ما أنت إلا جيفة طال حولها قيام ضباع أو قعود ذناب»:
- (۱) طال: فعل ماض و فاعله « قيام» والجملة فعلية و نعت و مرفوع محلاً بالتبعية للمنعوت « جيفة»
 - (۲) جيفة: مستثنى مفرغ و مرفوع على أنّه بدل لخبر « أنت» بسبب بطلان عملها لانتقاض خبرها ب « إلا»
 - (۳) أنت: اسم « ما» المشبهة بليس و مرفوع محلاً، جيفة: خبر « ما» المفرد و منصوب
 - (۴) قيام: مصدر و مادته أجوف واوي (ق و م) و فاعله « ضباع» المجرور بالإضافة لفظاً
- ۱۱- « و إني لتعروني لذكراك هزةً كما انتفض العصفور بلّله القطر»:
- (۱) تعرو: مضارع - للغائبة - معتل و ناقص (له الإعلال بالإسكان) - متعدّ فعل مرفوع تقديرًا، فاعله « هزة» و الجملة فعلية و خبر « إن» و مرفوع محلاً
 - (۲) ذكرى: اسم - مفرد - مؤنث - جامد و مصدر - معرّف بالإضافة - معرب - مقصور - ممنوع من الصرف/ مجرور تقديرًا بحرف الجرّ؛ لذكرى: جار و مجرور
 - (۳) انتفض: ماضٍ - مزيد ثلاثي من باب افتعال - صحيح و سالم - لازم/ فعل و فاعله «العصفور» و الجملة فعلية و مصدر مؤول
 - (۴) ما (كما): اسم غير متصرف - موصول عام (لغير نوي العقول) - معرفة - مبني على السكون/ مجرور محلاً بحرف الجرّ؛ كما: جار و مجرور

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية: (۱۲-۱۵)

۱۲- عین الحرف المضارع مضمومًا في كلّ الأفعال:

- (۱) أقنع - استقبل - باشر - تفاهم
(۲) زلزل - أقبل - علّم - جادل
(۳) تزلزل - تعلّم - اجتراً - كاتب
(۴) دحرج - تجرّع - استمرّ - جلس

۱۳- عین ما یمتنع فيه الإدغام:

- (۱) لا تمدد يدك لتجني ثمرة زرعها غيرك!
(۲) أشدّد أواصرک الأخویة لئلاّ تبقى وحيدًا في الحياة!
(۳) لم یظلل الأمر هكذا؛ فهو في تطوّر و تحوّل!
(۴) سرّرت من زیارتک جدًّا، إذ لم یکن لی خبر عنک!

۱۴- عین ما لیس فيه التمييز:

- (۱) لا یستطیع أحد أن یقول هو خیر منّي شفقة و رأفة!
(۲) إنهم أعظم الناس حیطة من ورائه و ألهم لیسعته!
(۳) احذروا من الله ما حدّركم من نفسه و اخشوه خشية لا تحتاج فیها إلى اعتذار!
(۴) لم تكثر دعوة من دعاكم عزّة و لا تقلّ نصیحة من نصحكم تأثیرًا ممّا نحن علیه!

۱۵- عین المشتغل عنه منصوب وجوبًا:

- (۱) العلم إن درسته جیدًا ینفعک، فالتزم به دائمًا!
(۲) هلاّ الحسنة تفعلها و تتوقّعها من الآخرين!
(۳) أولادنا نجازيهم على أفعالهم الحسنة لنشوّقهم في الإكثار منها!
(۴) الكتاب طالع مقدّمته أولًا ولا تغفل عنها، فإنّها مفيدة لفهم مطالبه!

۱۶- نقش دستوری واژه «هفت» در کدام مورد، با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) هفت آسمان را بردرم وز هفت دریا بگذرم
(۲) ابر ده و دو هفت شد کدخدای
(۳) یکی از دو راه آنک کاووس رفت
(۴) چنین هفت سالش همی آزمود
- چون دلبرانه بنگری در جان سرگردان من
گرفتند هر یک سزاوار جای
دگر کوه و بالا و منزل دو هفت
به هر کار جز پاک‌زاده نبود

۱۷- نوع فعل جمله پایه در بیت زیر، چه ویژگی‌ای دارد؟

- «جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب
که مهربانی از آن طبع و خو نمی‌آید»
- (۱) مجهول
(۲) فعل کمکی
(۳) لازم یک شخصه
(۴) غیرشخصی

- ۱۸- مسندالیه در بیت زیر، چه ویژگی‌ای دارد؟
 «بیند فلک نظیر تو لیکن به شرط آنک هم سوی تو به دیده‌ احوال کند نظر»
 (۱) معطوف به حرف شرط است.
 (۲) حذف شده است.
 (۳) مقدم است.
 (۴) نکره است.
- ۱۹- مسند در بیت زیر، چه ویژگی‌ای دارد؟
 «صبح گه‌ان باز در آمد زکوی موی پژولیده و ناشسته روی»
 (۱) مقید به قید زمان است.
 (۲) مقید به قید حالت است.
 (۳) نکره است.
 (۴) مقید به قید زمان و حالت است.
- ۲۰- در کدام مورد، نقش جمله مؤول با دیگر موارد متفاوت است؟
 (۱) بداندیش تست آن و خونخوار خلق که نفع تو جویید در آزار خلق
 (۲) شیر در وقت خنده خون ریزد کیست کز پیل مست نگرید
 (۳) چنین است آیین و رسم جهان که کردار خویش از تو دارد نه‌ان
 (۴) دوست نزدیک‌تر از من به من است وینست مشکل که من از وی دورم
- ۲۱- کدام دسته از شاعران زیر، در گروه نازک‌خیالان قرار می‌گیرند؟
 (۱) بیدل دهلوی - ارادت واضح - وحشی بافقی - میرجلال اسیر
 (۲) صائب تبریزی - طالب آملی - قدسی مشهدی - ظهوری ترشیزی
 (۳) زلالی خوانساری - شوکت بخاری - صائب تبریزی - کلیم کاشانی
 (۴) بیدل دهلوی - غنیمت کشمیری - جويا تبریزی - کلیم کاشانی
- ۲۲- کدام‌یک از شاعران معاصر، مفهوم بیت زیر از مولانا را در شعر خود آورده است؟
 «آفتاب آمد دلیل آفتاب گر دلیلت باید از وی رخ متاب»
 (۱) احمد شاملو در شعر با چشم‌ها
 (۲) مهدی اخوان ثالث در شعر شهریار شهر سنگستان
 (۳) سهراب سپهری در شعر مسافر
 (۴) سیاوش کسرای در شعر آرش کمانگیر
- ۲۳- از بین گزینه‌های زیر، کدام‌یک را می‌توان نخستین کتابی دانست که در آن، لغات مغولی آمده است؟
 (۱) تاریخ بناکتی تألیف فخر بناکتی
 (۲) طبقات ناصری تألیف منه‌اج السراج
 (۳) نظام التواریخ تألیف ناصرالدین البیضاوی
 (۴) مجمع‌الانساب تألیف محمد بن علی شبانکاره
- ۲۴- این عبارت علامه قزوینی، درباره کدام کتاب است؟
 «این کتاب نفیس مشتمل بر سه فن از فنون ادب است: علم عروض و علم قوافی و علم نقد الشعر و به جرأت می‌توان گفت که از ابتدای تدوین علوم به زبان پارسی ... هیچ کتابی بدین کمال و تنقیح تألیف نشده است.»
 (۱) ابداع البدایع
 (۲) فنون بلاغت و صناعات ادبی
 (۳) المعجم فی معاییر اشعار العجم
 (۴) حقایق السحر فی دقایق الشعر
- ۲۵- نخستین نمایشنامه‌نویس ایرانی که به زبان فارسی نمایشنامه نوشت، که بود؟
 (۱) آخوند زاده
 (۲) مؤید الممالک فکری
 (۳) میرزا آقا تبریزی
 (۴) علی‌خان ظهیرالدوله
- ۲۶- وزن بیت زیر چیست؟
 «من از مادری زادم که پارم پدر بود او شدم خاک آن پای کز پیش سر بود او»
 (۱) فعولن فعولن فع // فعولن فعولن فع
 (۲) مفاعیلن فعولن // مفاعیلن فعولن
 (۳) مفاعیلن فعولن فع // مفاعیلن فعولن فع
 (۴) مفاعیلن فعولن فع // مفاعیلن فعولن فع

- ۲۷- وزن کدام مورد، به درستی بیان شده است؟
 (۱) ای کوه ای بند ضحاک آیا به یادت هست: مجتث اثلیم
 (۲) در لجه سرگردانی چون گوی شناور بودم: هزج اخرب ازل
 (۳) دوباره می سازمت وطن اگرچه با خشت جان خویش: رجز مرفل مطوی
 (۴) ای پرده برگرفته ز رخ می بینمت به پرده دری: مضارع اخرب مکفوف مجبوب
- ۲۸- وزن اصلی این بیت چیست؟
 «جنبشِ سرو تو پنداری کز بادِ صباست؟ نه، که از ناله مرغانِ چمن در طرب است»
 (۱) فاعلاتن فاعلاتن مفعولن فعلن
 (۲) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
 (۳) فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن
 (۴) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن
- ۲۹- در این بیت‌ها که از یک قصیده واحد بر مبنای چاپ‌های مشهور کلیات سعدی انتخاب شده‌اند، از منظر قواعد قافیه، قافیه کدام بیت نادرست است؟
 (۱) خوش است عمر دریغا که جاودانی نیست پس اعتماد بر این پنج روزِ فانی نیست
 (۲) کدام باد بهاری وزید در آفاق که باز در عقبش نکبتی خزانی نیست
 (۳) نگاه دار زبان تا به دوزخت نبرد که از زبان بتر اندر جهان زبانی نیست
 (۴) زمین به تیغ بلاغت گرفته‌ای سعدی! سپاس دار که جز فیض آسمانی نیست
- ۳۰- از نظر شعرای قدیم، کدام دو کلمه نمی‌تواند با هم قافیه شوند؟
 (۱) کور - زور
 (۲) سیب - کتیب
 (۳) بدید - لذیذ
 (۴) پور - سرور
- ۳۱- شعر زیر، به کدام مکتب / جنبش ادبی تعلق نزدیک‌تری دارد؟
 «در ایستگاه مترو: منظره این صورت‌ها در ازدحام جمعیت گلبرگ‌هایی بر یک شاخه سیاه خیس»
 (۱) دادائیسیم
 (۲) اکسپرسیونیسم
 (۳) سوررئالیسم
 (۴) ایماژیسم
- ۳۲- از منظر نشانه‌شناسی، کدام مورد دارای انگیزتگی معنایی در دال نیست؟
 (۱) یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان غم‌مخور
 (۲) گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن
 (۳) دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت
 (۴) ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکند
- ۳۳- براساس کدام نوع نقد، استعاره و مجاز مرسل جزو بنیانی سازوکارهای ضمیر ناخودآگاه به‌شمار می‌رود؟
 (۱) کهن‌الگویی
 (۲) لاکانی
 (۳) فرمالیستی
 (۴) ساختاری
- ۳۴- کدام متفکر منتقد ادبی، تحت تأثیر آرای سوسور نبوده است؟
 (۱) ولادیمیر پراپ
 (۲) کلودلوی استراوس
 (۳) جانان‌تال کالر
 (۴) چارلز سندرس پیرس
- ۳۵- براساس نظریه نقش‌های زبانی رومن یاکوبسن در بیت زیر، چه نقش‌هایی مشاهده می‌شود؟
 «حد قدم می‌رس که هرگز نیامده است در کوچه حدود عمارت کبریا»
 (۱) ادبی، ترغیبی و ارجاعی
 (۲) ادبی، فرازبانی و عاطفی
 (۳) ترغیبی، ادبی و عاطفی
 (۴) ارجاعی، عاطفی و ترغیبی

بلاغت:

- ۳۶- آرایه‌های «متناقض نما - حسن تعلیل - اسلوب معادله - استخدام» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟
- الف- از آن مژگان او دست دعا بر آسمان دارد که دایم از خدا خواهد شفای چشم بیمارش
- ب - با که این نکته توان گفت که آن سنگین دل کشت ما را و دم عیسی مریم با اوست
- ج - باز آ که در فراق تو چشم امیدوار چون گوش روزه‌دار بر الله اکبر است
- د - در حقیقت تنگدستی مایه دیوانگی است در چمن بید از غم بی‌حاصلی مجنون شود

(۱) «ج»، «د»، «الف» و «ب» (۲) «ب»، «الف»، «د» و «ج»

(۳) «د»، «الف»، «ج» و «ب» (۴) «ب»، «د»، «الف» و «ج»

- ۳۷- در کدام مورد به آرایه‌های بیت زیر به درستی اشاره شده است؟

«به بوی زلف و رخت می روند و می آیند صبا به غالیه سایی و گل به جلوه‌گری

(۱) لف و نشر مشوش - استعاره - ایهام - حسن تعلیل (۲) ایهام - لف و نشر مرتب - تشخیص - تضاد

(۳) مراعات نظیر - ایهام - تناقض - حسن تعلیل (۴) تشبیه - ایهام تناسب - کنایه - مجاز

- ۳۸- غرض / اغراض ثانوی از پرسش در بیت زیر چیست؟

«سر چیست تا به طاعت او بر زمین نهند جان در رهش دریغ نباشد نثار کرد»

(۱) استبطاء (۲) تعظیم و استیناس

(۳) تمهید برای تقریر خبر (۴) تعجیز و استرحام

- ۳۹- در بیت زیر، چه صنعتی وجود دارد؟

«راه عشق ارچه کمینگاه کمان‌داران است هر که دانسته رود صرفه ز اعدا ببرد»

(۱) اسلوب‌الحکیم (۲) ایهام

(۳) ایهام تبادر (۴) ایهام تناسب

- ۴۰- هسته مرکزی تصویر استعاری، در کدام مورد متفاوت است؟

(۱) آسمان در طلب واسطه عقد نجوم روی در رای تو آورده که وی شاهد وی

(۲) چو خاتون یغما به خلخال زر ز خرگاه خلخ برآورد سر

(۳) ماهی نهنگ‌وار به حلقش فرو برد چون یونسش دوباره به صحرا برافکند

(۴) نعایم پیش او چون چار خاطب به پیش چار خاطب چار مؤذن

متون نظم - متون نثر:

- ۴۱- ممدوح ابیات زیر، در کدام مورد متفاوت است؟

(۱) یوسف دلوی شده چون آفتاب یونس حوتی شده چون دل‌و آب

(۲) نسبت داوودی او کرده چست بر شرفش نام سلیمان درست

(۳) هم‌سفرانش سپر انداختند بال شکستند و پر انداختند

(۴) یافت فراخی گهر از درج تنگ نیست عجب زادن گهر ز سنگ

- ۴۲- مفهوم کدام مورد به مفهوم بیت زیر، نزدیک‌تر است؟
 «من این حروف نوشتم چنان که غیر ندانست
 (۱) تا کجا روشن بود کیفیت اسرار عشق
 (۲) به عشق عین طلب شو که دیده یعقوب
 (۳) وصل حق بیدل نظر بر بستن است از ماسوی
 (۴) عاقبت نقش دو عالم پاک خواهد کرد عشق
- ۴۳- کدام مورد، توصیف دقیق‌تر بیت زیر است؟
 «هر که را بینی طلبکار ای پسر
 (۱) جویندگان حقیقت
 (۳) مجذوبان سالک
- ۴۴- مفهوم کدام مورد، با موارد دیگر متفاوت است؟
 الف - زعکس طبعم بهار جلوۀ بستان دهد
 ب - به مسجد اندر سگان هیچ خردمند بست
 ج - نظم گهر گیر تو گفته خود سربه‌سر
 د - کس این سخن بهر لاف سوی عراق آورد؟
 (۱) «ج» (۲) «الف»
- ۴۵- در بیت زیر، به کدام مورد اشاره شده است؟
 «بنگه تیر از او شود روضه‌صفت به تازگی
 (۱) ورود شمس به برج دو پیکر، اوج عطارد
 (۳) آغاز طراوت بهار
- ۴۶- معنی «فتح باب» در کدام مورد متفاوت است؟
 (۱) آخر از فتح باب صحت داد
 (۲) بردمانند زشعله آتشش
 (۳) در صحبت به روی خلق ببند
 (۴) هر کجا خشکسال عافیت است
- ۴۷- مفهوم اصلی کدام بیت، با ابیات دیگر متفاوت است؟
 (۱) نه پنج روزه عمر است عشق روی تو ما را
 (۲) و عندی منها نشوۀ قبل نشأتی
 (۳) چنین که در دل من داغ زلف سرکش توست
 (۴) از آن به‌دیر مغنم عزیر می‌دارند
- ۴۸- معنی نقش در کدام بیت متفاوت است؟
 (۱) ای نقش زیاد طالع من
 (۲) ز نقش‌های غریب آنچه جام جم دارد
 (۳) بلندنامی غربت زیاده از وطن است
 (۴) چون آینه است عالم نقش کمال عشق است
- تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی»
 می‌کشد مکتوب خاکستر پر پروانه‌ها
 سفید نشده سهل است پیرهن گوید
 قرب شه خواهی زعالم چشم چون شهباز بند
 شعله بهر خوردن خاشاک یکسر اشتهاست
- یار او شو پیش او انداز سر»
 (۲) سالکان مجذوب
 (۴) پیران به یار رسیده
- ز شرم لفظم گهر رخت سوی کان برد
 به کعبه اندر بتان هیچ مسلمان برد؟
 کسی گهر بهر سود باز به عمان برد؟
 والله اگر عاشق این به که فروشان برد
 (۳) «ب» (۴) «د»
- خرگه ماه از او شود خلدوش از منوری»
 (۲) ورود خورشید به برج سلطان، اوج قمر
 (۴) آغاز فصل تابستان
- آسمان آن غبار را تسکین
 فتح باب کف تو مهرگیاه
 هوس فتح باب گریه داری
 بهر تیغ تو فتح باب کنند
- وَجَدْتَ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنَّ شَمَمْتَ رُفَاتِي
 مَعِيَ أَبَدًا تَبْقَى وَ إِن بَلَى الْعَظَمِ
 بنفشه‌زار شود تربتم چو در گذرم
 که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست
- در زایچه فَنَنَات جَـویم
 دل شکسته ما بی‌زیاد و کم دارد
 که پشت نقش بود در نگین به روی نگین
 ای مردمان که دیده است جزوی ز کل زیاده

- ۴۹- گوینده ابیات زیر، با توجه به تلمیح تاریخی آن کیست؟
 «منت خدای را که به فر خدایگان
 منت خدای را که به جانم نکرد قصد
 (۱) غضایری (۲) ازرقی
 (۳) امیر معزی (۴) عسجدی
 من بنده بی گنه نشدم کشته رایگان
 تیری که شه به قصد نینداخت از کمان»
- ۵۰- مفهوم بیت زیر از انوری، در کدام مورد آمده است؟
 «گنج آتسز گنج قارون بود اگر نی کی شدی
 (۱) بی ارزش بودن مشتریان فقیر در بازار
 (۳) موقتی و بی ثبات بودن ثروت مادی انسان
 شاعر در بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید می کند؟
 «هست در وصف او به وقت دلیل
 (۱) ردّ نظریه مشبه و معطله درباره توصیف خداوند
 (۳) ردّ نظریه منزّه درباره خداوند
 کدام مورد، با معنی ابیات زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟
 «دزی سرش بر اوج رخشنده مهر
 ز بالاش گفتی که در ژرف چاه
 (۱) در بالای آن برج خورشید که چشمه فلک است در برج حوت مانند چشم ماهی به نظر می رسد.
 (۲) وقتی به بالای برج می رفتی انگار در چاه ژرفی هستی که آسمان به نظرت مثل چشمه است و برج حوت شبیه چشم ماهی
 (۳) بلندی برج آسمان را چشمه چشمه و سوراخ کرده بود و ماه را هم چون چشم ماهی که بسته نمی شود خیره و مات کرده بود.
 (۴) برج آن قدر بلند بود که در بالای آن، آسمان هم چون چشمه ای در چاهی ژرف به نظر می رسید و ماه مثل چشم ماهی بود در آن چشمه
- ۵۲- بیت زیر، با کدام مورد، نزدیکی معنایی بیشتری دارد؟
 «اذا رجوت المستحيل فأنما
 (۱) صبر ما از دوستان ناممکن است
 (۲) ز هر جایی که پرسیدم دواي درد دل گفتا
 (۳) کشتگان سوموم قهر ترا
 (۴) گر کسی را طاقت تسلیم نیست
 بیت زیر، توصیف کدام گروه است؟
 «زهّد که در زرکش سلطان بود
 (۱) پشمینه پوشان زردوست
 (۳) دارایان زاهد
 مفهوم واژه های مشخص شده در کدام عبارت نادرست است؟
 (۱) دنیا به عرض فقر بده وقت «من یزید»
 (۲) در دل مدار نقش امانی که شرط نیست
 (۳) با سایه رکاب محمد عنان در آر
 (۴) آن شب که سوی کعبه خلّت نهاد روی
 کان گوهر تمام عیار ارزد این بها (فقر)
 بتخانه ساختن ز نظرگاه پادشا (چشم)
 تا «طرقوا» زنان تو گردند اصفیا (چاکر)
 این غول دار بادیه را کرد زیر پا (گیتی)

۵۶- بیت زیر، با کدام بیت، قرابت مفهومی بیشتری دارد؟

«زان رخ گلگون عرق یاقوت احمر می شود»

- (۱) سبزه زنگار در تیغ تو جوهر می شود
- (۲) گلشن حسن از بهار عشق خرم می شود
- (۳) جان ز ترک جسم چون گوهر فروزان می شود
- (۴) پیش بلبل جای گل هرگز نمی گیرد گلاب

۵۷- در کدام مورد، باور عامیانه‌ای به چشم نمی خورد؟

- (۱) چو بیژن داری اندر چه مخسب افراسیاب آسا
- (۲) مساز عیش که نامردم است طبع جهان
- (۳) فلک افعی تن زمرد سلب است
- (۴) کاشکی خورشید را زین غم نبودی چشم درد

۵۸- مفهوم کدام بیت، با ابیات دیگر متفاوت است؟

- الف - نبود رنگ دوعالم که نقش الفت بود
 - ب - مگر گشایش حافظ در این خرابی بود
 - ج - من از ورع می و مطرب ندیدمی زین پیش
 - د - کنون به آب می لعل خرقة می شویم
- (۱) «الف» (۲) «ب» (۳) «ج» (۴) «د»

۵۹- مفهوم بیت زیر چیست؟

«بانگ بر رسته ز بر رسته بدان»

- (۱) دانستن حال افراد مختلف از ظاهر آنها
- (۲) دانستن تفاوت منشأ صدای وحی و صدای مدعیان
- (۳) دانستن تفاوت منشأ صدای وحی و صدای مدعیان
- (۴) دانستن تفاوت منشأ صدای وحی و صدای مدعیان

۶۰- کدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟

«در ترازو جو رفیق زر شده ست»

بنابراین

- (۱) تغییر در ذات ممکن است.
- (۲) مصاحبت سبب سنخیت نمی شود.
- (۳) همنشین ارزشمند، ارزشمند می کند.
- (۴) بی عنایت، تغییر ممکن نشود.

۶۱- معنی کدام گزینه، با عبارت زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟

«ورم در حال به رسم استغفار در قدم افتاد و الم بر سیل اعتذار بر پای ایستاد ... انگشت‌ها مانند اصابع مدری برهنه ماند و کف چون پنجه مریمی عاری شد.»

- (۱) پاهایم ورم کرد و درد گرفت و انگشتانم مانند انگشت شانه لاغر شد و دستم خالی ماند.
- (۲) دشمن برای استغفار به پای من افتاد و سخن چین برای عذرخواهی در برابر من ایستاد انگشت آنها از توطئه (نوشتن علیه من) برهنه شد و دستشان مانند گل مریم خالی شد.
- (۳) پاهایم باد کرده بود اما درد از من دوری می کرد و به احترام من دور ایستاده بود. انگشتانم را از زیور انگشت برهنه کردم و دستم را مانند پنجه حضرت مریم (از مال دنیا) خالی کردم.
- (۴) و آن گروه برای عذرخواهی به پای من افتادند و به خواست من بعد از عذرخواهی سرپا ایستادند. انگشت آنها مانند چوب خلال از هر توطئه‌ای خشک شد و دستشان مانند گل مریم از همه چیز برهنه شد.

۶۲- کدام مورد، متن زیر را تکمیل می‌کند؟

«وَمَا السُّلْطَانُ إِلَّا الْبَحْرُ عَظْمًا وَ قُرْبُ الْبَحْرِ مَحْذُورُ الْعَوَاقِبِ»
چرا که

- (۱) هر که بر درگاه ملوک از عملی که مقلد آن بوده‌ست معزول گشته یا به دشمن سلطان التجا یافته نشاید فرمود پادشاه را در فرستادن او به جانب خصم.
- (۲) تربیت پادشاه بر قدر منفعت باید که در صلاح ملک از هر یک بیند چه اگر بی‌هنران خدمت اسلاف را وسیلت سعادت سازند خلل به کارها راه یابد.
- (۳) پادشاه بر اطلاق اهل فضل را به کمال کرامات مخصوص نگرداند لکن اقبال بر نزدیکان خود فرماید که به وسایل و قبول محترم باشند.
- (۴) یکی از سكرات ملك آن است كه همیشه خائنان را به جمال رضا آراسته دارد و ناصحان را به وبال سخط مأخوذ.

۶۳- کدام گزینه درست است؟

- (۱) آنکه چون گنج قارون خاک خورد شود، به مرور به فراموشی سپرده شده است.
 - (۲) آنکه مواضع حقوق را به امساک نامرعی گذارد، قناعت‌پیشه‌ای خرسند است.
 - (۳) چون اتفاق در نتیجه کارها معتبر است نه استحقاق، کارهای خلاق به خلاف آن بر انواع مختلف و فنون متفاوت رود.
 - (۴) آنکه به تمویه اصحاب غرض روی به امضای حکم آورد بی‌ایضاح بیّن‌ت عزیمت را در اقامت حدود جاری نمی‌کند.
- ۶۴- «صحبـت اشـرار مایـه شقاوت است و مخالطـت اخیار کیمیای سعادت» و مثل آن چون

- (۱) گل دورویی است که هر کرا همت وصلت آن باشد دست‌هاش به خار مجروح گردد.
- (۲) تربیت مار است که مارگیر اگرچه در تعهد وی بسیار رنج برد آخر خوشتر روزی دندان‌ی بدو نماید.
- (۳) انگشت است که آلت قبض و بسط است و چون مار بر آن بگزد و مشقت مابینت آن را عین راحت شمرند.
- (۴) باد سحری است که اگر بر ریاحین بزد نسیم آن به دماغ رسد و اگر بر پارگین گذرد از بوی آن حکایت کند.

۶۵- مناسب‌ترین گزینه برای تکمیل عبارت زیر، کدام است؟

«من از راه تفادی آخر ما فی الجعبه برو خواندم و او از سر رجوع از تمادی بر من خواند و زمام مراد از قبضه عناد به من داد.»

- (۱) دُونَه بَيْضُ الْأَنْثَى (۲) أَعْطَيْتِ الْقَوْسَ بَارِيهَا
- (۳) حَظٌّ جَزِيلٌ بَيْنَ شِدْقِي ضَيْغَمٍ (۴) لَيْسَ فِي الْبَيْتِ سِوَى الْبَيْتِ

۶۶- مفهوم مشخص‌شده برای هر عبارت، در کدام گزینه، درست است؟

- (۱) کوه دامن پیراهن گازری تا کمرگاه درنوردید: جز اندکی برف بر قله، باقی ذوب شد.
- (۲) خَلَالَاتُ تُغُورُ از بن دندان برکند: هر مشکلی را که در مرزها بود از بین برد.
- (۳) سیرالسحابِ تَحْتَهُ رِيحُ الْجَنُوبِ می‌راند: با اکراه و کندی حرکت می‌کردم.
- (۴) جوهر شب‌افروز با شبهه درآمیخت: خورشید غروب کرد و شب شد.

۶۷- ادامه متن زیر، کدام مورد است؟

«چهره جمال حقیقت را برقع تعزز فروگذارید؛ بنابراین

- (۱) جمال حقیقی حضرت دوست را عزیز بدارید. (۲) پوشش غیرت حضرت حق بر حقیقت زنید.
- (۳) مقابل یگانه حقیقت هستی تکبر نداشته باشید. (۴) برابر حضرت احدیت از عزت و بقای خود دست بشویید.

۶۸- کدام گزینه، با معنی عبارت زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟

«اگرچه موارد راحت به جراحات ضمیر مکدر بود و چهره مورد آمال به خدشات احوال احداث مغبر، فی اهنا شرب و امراه روزگار گذرانید»

- (۱) هرچند بارها آسایش او به سبب اندوه درون به هم خورده بود و صورتش مورد ضربه‌های بسیار قرار گرفته و خدشه‌دار شده بود و احوال جوانی او دگرگون شده بود، با نوشیدن شراب روزگار خود را سپری می‌کرد.
- (۲) هرچند به سبب اندوه درون، آن قدر کف دست بر سینه خود زده بود که مجروح شده بود و صورتش که مثل گل سرخ بود با صدمه حوادث رنگ باخته بود، در آبشخوری گوارنده روزگار گذرانید.
- (۳) هرچند گل‌های مورد به سبب اندوه درونش تیره به نظرش می‌آمد و برگ گل سرخ آرزوهایش به سبب آسیب‌های پیاپی پرپر شده بود، در میان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید.
- (۴) هرچند آبشخورهای آرامش به زخم درون گل‌آلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادث پیاپی دگرگون شده بود در گوارنده‌ترین آبشخوری روزگار گذرانید.

۶۹- کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟

«چنانکه در ابتدا آهن از معدن بیرون می‌آورند و آن را به لطایف‌الحیل پرورش گوناگون می‌دهند تا آینه می‌شود، وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است، آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می‌باید آورد و به تربیت به مرتبه آیینگی رسانیدن به تدریج و تدرّج»

- (۱) که «أَنَا عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ أَجْلِ»
- (۲) چنانکه می‌فرماید: «بَيَّهَ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ»
- (۳) أَنْ الْقَنَاهُ الَّتِي شَاهَدَتْ رَفْعَتَهَا
- (۴) که «أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا»

۷۰- مفهوم عبارت‌های مشخص‌شده در کدام گزینه درست است؟

«و سعید صراف کدخدای غازی به آسمان شد و لكل قوم يومٌ ... و خداوندش در دلو شد ... در آسیای روزگار بگشت و خاست و افتاد و بر شغل بود و نبود تا بعد العز والرفعه صار حارس الدجله»

- (۱) فوت کرد - گرفتار شد - از عرش به فرش افتاد.
- (۲) آدم مهمی شد - در زندان شد - باز به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت.
- (۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی‌ارزش گماشته شد.
- (۴) مشهور و بلندمرتبه شد - فریب خورد - پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.

۷۱- کدام مورد، متن زیر را کامل می‌کند؟

«آنکه در معاطات کووس محامات نفوس را مهمل گذارد،»

- (۱) نواله حسام را پیاله مدام پندارد.
- (۲) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.
- (۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.
- (۴) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرم‌سری در باقی کند.

۷۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟

«مغالبت در سخن به مبالغت رسانید و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.»

- (۱) ژاژدرآیدن
- (۲) عقال عقل گسیختن
- (۳) مقام تحرز نشناختن
- (۴) دوستی به دشمنی منتهی شدن

۷۳- کدام مورد، متن زیر را کامل می‌کند؟

- «اما حواس باطن؛ اول حس مشترک است و او قوتی است ترتیب کرده در تجویف اول از دماغ که».
- (۱) آن را ذاکره نیز خوانند و او قوتی است که آنچه قوت وهمی دریابد از معانی نامحسوس او نگاه دارد.
- (۲) کار او آن است که آن جزئیات را که در خیال است با یکدیگر ترکیب کند و از یکدیگر جدا کند به اختیار اندیشه.
- (۳) دریابد معانی نامحسوس را که موجود باشد در محسوسات جزئی چون آن قوتی که بزغاله فرق کند میان مادر خویش و گرگ.
- (۴) قابل است به ذات خویش مر جمله صورت‌ها را که حواس ظاهر قبول کرده باشند و محسوس آنگاه محسوس شود که او قبول کند.

۷۴- معنی واژه‌های مشخص شده چیست؟

- «من چندانکه تبصیص و تودد زیادت کنم ملک زاده در تمرد و تجلد زیادت می‌کند و می‌پندارد که ضراعت و استکانت از غلبه فضایل اوست.»

- (۱) رشوه دادن - غرور - نژاد برتر داشتن
(۲) مهربانی - غرور - قدرتمندی
(۳) چاپلوسی - سرکشی - فروتنی
(۴) چاپلوسی - سرکشی - مقام والا داشتن

۷۵- مفهوم عبارت زیر چیست؟

- «اگر با این اجتماع اسباب کمالش شرف عصامیه با عظامیه ضم‌بودی و در بعضی احوال صحو و سکر اظهار آثار لوم و دنائت نکردی او را عدیم‌النظیر شایستی گفتن.»

- (۱) هنر داشت اما اصل و نسب نداشت.
(۲) اصل و نسب داشت اما هنری نداشت.
(۳) پاکدامن بود اما در کار استخوان خرد نکرده بود. (بی‌تجربه بود)
(۴) بزرگ بود اما در باده‌نوشی افراط می‌کرد و در مستی مرتکب معاصی می‌شد.

۷۶- این عبارت مؤلف مرزبان‌نامه، در توصیف کدام کتاب است؟

- «رسایل مجموعی از مکاتبات منتجب بدیعی که به بدایع روایع کلمات و نکات مشحون است. لطف از متانت درآویخته و جزالت با سلاست آمیخته»

- (۱) عتبه‌الکتابه
(۲) التوسل الی الترسل
(۳) دستور الکاتب فی تعیین المراتب
(۴) دستور دبیری

۷۷- با توجه به معیارهای اخلاق فلسفی، کدام گزینه برای کامل کردن عبارت زیر، مناسب‌تر است؟

«شجاع بحقیقت آن بود که»

- (۱) به عذاب و نکال و مثله رضایت دهد تا اسم و ذکر در میان ابنای جنس باقی و شایع گرداند.
(۲) حذر او از ارتکاب امری قبیح زیادت از حذر او باشد از انصرام حیات
(۳) خویشتن را در ورطه‌های مخوف اندازد و مرگ بر حیات اختیار کند.
(۴) بر مباشرت حروب و رکوب احوال قیام نماید.

۷۸- کدام مورد، مفهوم ضرب‌المثل «اذا اعشبت فانزل» را دربر دارد؟

- (۱) با همت باز باش و با رای پلنگ
(۲) اذا ما كنت فی امر مَروم
(۳) و اذا انتهیت الی السلا
(۴) مرا شربتی از پس بدسگال
زیبا به گه شکار، پیروز به جنگ
فلا تقنّع بما دون النجوم
مت فی مداک فلا تُجاوز
بود خوشتر از عمر هفتاد سال

۷۹- کدام مورد، در ارتباط با متن زیر است؟

«گفته‌اند انّ الذلیل الذی لیست له عضد یعنی اعوان صدق و اخوان صفا که وجود ایشان از ذخایر روز حاجت باشد و از عواصم زخم آفت و بنگر که از نیش پشه چند که چون به توازر و تعاون دست‌یکی می‌کنند با پیکر پیل و هیکل گاومیش چه می‌رود.»

(۱) و لا عدا الوابل مَغناکُم

(۲) خیرُ الاشیاء جدیدُها و خیرُ الإخوان قَدیمُها

(۳) و أمرُک عالٍ صاعدٌ کصعودِهِ

(۴) تأبى القداحُ اذا جُمِعَ تکسّرا

۸۰- کدام مورد، عبارت زیر را کامل می‌کند؟

«(بهرام گور) در جایی که دلال شمشیر او در روزبازار معرکه ارواح را من یزید کردی»

(۱) متاع حیات عظیم ارزان بودی

(۲) مواد زحمت اعدا را مندفع کردی

(۳) رستم دستان پیش او داستان مردی خود نیارستی زد

(۴) در خصم‌شکنی و دشمن‌فکنی بر مردان جهان فسوس کردی

Www.arabimahya.com